

در بخش مردمی جایزه سالانه «موسیقی ما» دو ترانه کم‌مایه و عجیب جایزه گرفتند

موسیقی در «بند» ترانه‌های آبکی



افشین حیدری

روزنامه نگار

شاید در هیچ دوره تاریخی‌ای سرعت و فراگیری یک اثر موسیقی بین جامعه ایرانی تا این حد نبوده باشد. ابزارهای موسیقی در دسترس، به تولید اثر موسیقی رونق داده و از سوی دیگر دنیای مجازی و شبکه‌های اجتماعی‌اش هم به انتشار آن کمک کرده است و حالا می‌توان به جرأت گفت که بخش مهمی از خوراک فرهنگی امروز ما ایرانی‌ها، در دستان اهالی شعر و موسیقی است. فراگیری موسیقی در جامعه امروز ایرانی، بهترین فرصت برای کسانی شده که از کنار قطعات موسیقی، سرمایه‌ای به‌جیب بزنند. واضح است که سردمداران بازار موسیقی، جایی می‌ایستند که نفع اقتصادی‌شان بیشتر باشد و از به‌کارگیری هیچ ترفندی برای برجسته کردن ملودی‌های اثر هنری و خواننده در چنبره‌شان پرهیز ندارند. حالا ممکن است که یک سر ترفندها به جایی برسد که شعر و ترانه‌های سطحی و کوچه بازاری را در دنیای رسانه داغ کنند یا در نمونه دیگر با وامداری از یک جریان اعتراضی در بطن جامعه، جنجال رسانه‌ای به پا کنند. نمونه اخیرش همین قطعه «پاره سنگ» مهدی پراچی که حواشی زیادی هم داشت. کلیپ تصویری که به گفته سازندگان قرار بود نقد اجتماعی و در مذمت جنگ باشد به‌دلیل به‌کارگیری نادرست از عناصر تصویری، با انتقاد کاربران فضای مجازی و رسانه‌ها مواجه شد و در برخی موارد مصداق توهین به ارزش‌های دفاع مقدس تعبیر شد. نهایت جنجال‌ها این شد که پراچی درمورد قطعه ترانه «پاره سنگ» هم اعتراف کرد که برخلاف نظر دفتر شعر و موسیقی ارشاد، ترانه‌ای غیر مجاز خوانده است. گویا جنجال‌های رسانه‌ای اسباب چنین اعتراضی شده بود که این‌بی‌توجهی به نظرات و مجوزهای دفتر شعر و موسیقی ارشاد، بین خوانندگان مساله مرسوم شده است. نمونه این موارد در تمام این سال‌ها کم نیست. نمونه مشهور دیگری هم شهرپرو ماه امسال بود که حاشیه‌های آلبوم و ترانه‌های «ابراهیم» از محسن چاوشی، دعای دامنه‌دار چند ماه‌های را رقم زد. حتی محمدعلی بهمنی، شاعر و ترانه‌سرا از شورای شعر و ترانه دفتر موسیقی وزارت ارشاد خداحافظی کرد. وقتی هم که از بهمنی پرسیدند که به خاطر دعوایش برای اشعار آلبوم «ابراهیم» از ارشاد قهر کرده است، گفته بود: «مشکل نه چاوشی است و نه صفا. مشکل ترانه‌های ضعیفی هستند که آبروی شعر، ترانه و موسیقی را برده‌اند.» وضعیت شعر و ترانه در بازار موسیقی حال خوشی ندارد و کارتل‌های اقتصادی حوزه موسیقی به این بلبشوی هنری دامن می‌زنند. برای بررسی شرایط این روزهای حاکم بر ترانه‌های کشور گفت‌وگویی را با حسین اسرافیلی، عضو شورای شعر و ترانه دفتر موسیقی وزارت ارشاد و اسماعیل امینی، استاد دانشگاه و دبیر سابق جشنواره فجر انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.

خیلی از خواننده‌ها یک نت خوانی ساده هم نمی‌دانند



اسماعیل امینی که اصالتی آذری دارد، سال ۴۲ در تهران متولد شده و تا درجه دکتری زبان و ادبیات فارسی تحصیل کرده است. سال هاست که در عرصه شعر پارسی و ترانه تصنیف فعالیت داشته است. تدریس در دانشگاه و همکاری با مطبوعات ادبی، عضو شورای عالی شعر و شورای عالی موسیقی صداوسیما، همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و دآوری جشنواره‌های گوناگون ادبی، بخشی از فعالیت ادبی وی به‌شمار می‌رود. از جمله آثار وی علاوه بر چندصد مقاله ادبی و تحلیلی می‌توان به کتاب‌هایی از جمله: خندمین ترانه‌ها (سه جلوه‌های طنز در مثنوی منوری)، لبخند سعدی (طنزآوری در غزل‌های سعدی)، لبخند غیرمجاز (نوشته‌های طنز)، تبسم دوست (لطایف و مطایبات در کلام امام خمینی) و... اشاره کرد. گفت‌وگوی «فرهنگستان» را با این ترانه‌سرا درمورد وضعیت شعر و ترانه این روزهای موسیقی در ادامه می‌خوانید.

۱۱۱

با وجود اینکه شورای شعر و ترانه بر ترانه‌های موجود در بازار نظارت می‌کند ولی شاهدیم که در بازار موسیقی امروز، آثار بسیار نازل و سطح پایینی به چشم می‌خورد. فکر می‌کنید دلیل این موضوع چیست؟

معمولاً شوراء بررسی‌های خودبا شعاری که مخالف چارچوب‌های قانونی و خطوط قرمز است، برخورد می‌کند و کمتر سعی دارد به کمیت و کیفیت ترانه‌ها توجه کند چون اساسا در شرح وظایف آنها چنین اجازه‌ای وجود ندارد. البته در روزگار فعلی که توجه بیش از اندازه مردم به اشعار کوچه بازاری و ریتیمیک است، باعث شده تا محتوا قربانی شود و خیلی در ترانه‌ها، شاهد اشعاری دارای معانی پر مغز و پامحتوا نباشیم. ترانه‌فرا تر از یک قالب هنری است و دنیایی از موله‌ها و رفتارهای کلامی را در برمی‌گیرد و با توجه به حجم مخاطبان انبوهی که این حوزه را شعر دارد هم می‌توان در آن از اصطلاحات کوچه بازاری استفاده کرد و هم از سخنان فلسفی. اما این درحالی است که بیشتر ترانه‌سرایان ماسعی می‌کنند کلام آنها به زبان گفتار مردم نزدیک‌تر شود چون باطبع آهنگی که به بازار می‌آید به دنبال مشتری است و سرمایه‌گذار هم به دنبال فروش است و اگر بخواهد خلاف مسیر حرکت کند، مطمئناً برگشت سرمایه‌ای وجود ندارد و متضرر خواهد شد.

دلیل اینکه گاهی بین آثار، ترانه‌های بی‌معنی را می‌بینیم به خاطر ریتیمیک بودن آن است یا اینکه ترانه‌سرایان توانمندی ندارند؟

این که بگوییم آدم توانمندی در این حوزه نداریم را قبول ندارم بلکه به نظر من روزگار فعلی ابتذال و پنهان بردن به کلمات بی‌ارزش و محاوره‌ای بیش از هر چیز ارج و قرب پیدا کرده است به‌طوری‌که نه تنها در حوزه شعر بلکه در نظام تعلیم و تربیت، سخنرانی‌های رسمی و... فحواً کلام به سمت محاوره و بیان جملات کوچه بازاری سوق پیدا کرده است و اگر همین روند ادامه داشته باشد باید در آینده‌ای نزدیک ادبیات فارسی را در ورطه نابودی

در معرفی خواننده‌ها هم در یک تا دو دهه اخیر به‌گونه‌ای عمل کردیم که هر چند سال یک‌بار با یک پدیده نوظهور روبه‌رو هستیم و پس از چند وقت که تاریخ مصرف آن تمام شد به سراغ یک خواننده دیگر می‌رویم. به نظر ما باید روی سواد موسیقی مردم از پایه و نظام تعلیم و تربیت کار می‌کردیم ولی از آن غافل شدیم. خیلی از مردم در مواجهه با یک اثر ضعیف، تشخیص درستی از آن ندارند چون سواد این کار را ندارند و اگر یک شعر بی‌محتوا یا موسیقی‌ای اشتباه به آنها داده شود، نمی‌توانند متوجه شوند. حتی ضعف خیلی از ترانه‌سرایان و تسلط اندک آنها روی خیلی از مقدمات شاعری باعث شده تا از فهم بسیاری از اصول عاجز باشند. درحالی که باید گفت در نظام تعلیم و تربیت کشورهای دیگر، آموزش موسیقی جزئی از دروس آنهاست و به راحتی می‌توانند هارمونی را در شعر و موسیقی تشخیص دهند.

حسین اسرافیلی متولد سال ۱۳۳۱ در تبریز است. وی غیر از سرودن شعر، فعالیت‌هایی نیز در حوزه خطاطی، نقاشی و مجسمه‌سازی داشته است.

عضویت در شورای شعر و موسیقی صداوسیما و شورای شعر نیروهای مسلح بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس و چاپ مجموعه اشعار «تشنه در باران زخم»، «حیات خلوت کلمات»، «تولد در میدان»، «آتش در خیمه‌ها»، «مجموعه شعر عاشورایی»، «عبور از صاعقه»، «گزیده ادبیات معاصر شماره ۵»، «مردان آتش نهاده»، «آتش در گلو» و «آینه‌های شعله‌ور» بخشی از فعالیت‌های وی به‌شمار می‌رود. با وی گفت‌وگویی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.

۱۱۱

پروسه تصویب ترانه در شورای شعر چگونه انجام می‌شود و آیا متر و معیار خاصی در ارزیابی آثار

۲ شب پیش در آیین اختتامیه پنجمین دوره جشن «موسیقی ما» تندیس طلایی بهترین قطعه برگزیده موسیقی پاپ از نگاه مردم مستتر کا به قطعات «ماه پیشونی» هوروش بند و «یک لحظه نگام کن» به ماکان بند اهدا شد. متن این دو ترانه را منتشر کردیم تا خارج از فضای ملودی و ریتم موسیقی، خودتان درمورد محتوای این ترانه‌ها قضاوت کنید.

قطعه «ماه‌پیشونی» هوروش بند

با انگشت همه نشون میدن منو / ماه پیشونی قلمو خوب زدی بردی / پاک این دل شده مست و خراب / این دل نابو تو گول زدی بردی / وقتشه دیوونه بشم به سیم آخر بزنم / وقتشه که شمار تو بگیرم زنگ بزنم / نمیتونه سد کنه رامو کسی جلودارم نیست / مٹ تو یکی به دونه آخه تو این عالم نیست / احالیم نیست یا لا / پاشو بیا پیش من والا / اون نازو کرشمه رو ببینم / مارا جادو میکنی والا / چشمون سیاهت کشته مارا / بالا پاشو بیا پیش من والا / اون نازو کرشمه رو ببینم / مارا جادو میکنی والا / چشمون سیاهت کشته مارا / آسمونو سنگ میزنم امشبو بارون بزنه / هرکیو تو کوچه ببینم میگم اون چون منه / نرگسو خیر میکنم عطرشو امشب بپاره / ازش میخوام رو تن خونه عطر تو جا بذاره / احالیم نیست یا لا / پاشو بیا پیش من والا / اون نازو کرشمه رو ببینم / مارا جادو میکنی والا / چشمون سیاهت کشته مارا / بالا پاشو بیا پیش من والا / اون نازو کرشمه رو ببینم / مارا جادو میکنی والا / چشمون سیاهت کشته مارا

قطعه «به لحظه نگام کن» ماکان بند

جالب اینجاست میگفتی تو پیشم بمون هیچ وقت نرو برگشت ورق دل کندیو نفهمیدم پس چرا خواستی منو به لحظه نگام کن دل بده به این دیوونه خسته صدام کن بگو رفتنت شوخیه به دروغه محضه دروغه محضه نمیخواستم بری وایسادم نگات کردم و سوختم و ساختم ولی باز من بدون تو آیندمو تکی ساختم به لحظه نگام کن دل بده به این دیوونه خسته صدام کن بگو رفتنت شوخیه به دروغه محضه به دروغه محضه نمیخواستم بری وایسادم نگات کردم و سوختم و ساختم ولی باز من بدون تو به این زندگی باختم همیشه حرفت هست همش تو این خونه دل من از دوریت میگیره هی بهونه نمیشه پرتش کرد ذهنمو دور از فکرت نمیشه ردش کرد درگیرم با عشقت به لحظه نگام کن دل بده به این دیوونه خسته صدام کن بگو رفتنت شوخیه به دروغه محضه دروغه محضه نمیخواستم بری وایسادم نگات کردم و سوختم و ساختم ولی باز من بدون تو آیندمو تکی ساختم به لحظه نگام کن دل بده به این دیوونه خسته صدام کن بگو رفتنت شوخیه به دروغه محضه به دروغه محضه نمیخواستم بری وایسادم نگات کردم و سوختم و ساختم ولی باز من بدون تو به این زندگی باختم

۹۰ درصد شعرهای رسیده، عاشقانه‌های سطحی است

در خدمت این اشعار باشد خیلی توانایی لازم را در هماهنگی با این موضوعات ندارد. وقتی در ساخت یک آلبوم موسیقی، ترانه، ملودی و صدای خواننده هر کدام در سطح متوسط قرار دارند و فقط به خاطر اینکه خیلی از این خواننده‌ها با انتشار آلبومی میان دوست‌و‌آشنا افتخاری به‌دست‌آورند، سراغ موسیقی آمدند و همین می‌شود که شعر فاخر و سطحی برای آنها فرقی ندارد.



آقای بهمنی چند ماه پیش دلیل استعفاى خود را از شورای شعر و ترانه، وجود ترانه‌های سخیف و اعمال نظره‌های بالا دستی عنوان کردند. مگر بعد از نظر نهایی شورا کسی می‌تواند آن را تغییر دهد؟

تصمیم‌گیرنده اصلی شورا است که به‌صورت مشورتی تصمیم‌گیری می‌کند که چه شعری باید چاپ شود و چه شعری نشود. ولی بعضی وقت‌ها هم مدیران ارشاد ارشاد با توجه به جایگاه خود اعمال نظرهایی می‌کنند. البته در کل واژه ممیزی واژه خیلی مناسبی نیست بلکه کاری که ما انجام می‌دهیم در حوزه فنی و محتوایی است و اگر ایراد و اشکالی درجایی باشد یا مغایرتی با چارچوب‌ها و خط قرمزها مشاهده شود، بررسی می‌کنیم. زمانی اعضا در شورا به این نتیجه رسیدند بودند که خیلی در بررسی آثار سختگیری نکنند و اجازه دهیم اثر منتشر شود تا خود مردم تصمیم‌گیرند که آیا آن را بخرند یا خیر؟

ترانه‌های امروز بازار موسیقی چه تفاوتی با ترانه‌های سال‌های گذشته دارند؟

خیلی با تفاوت موافق نیستم بلکه افتضات زمانه فرق کرده است. افرادی مثل رهی معیری، بیژن ترقی و... که در قدیم ترانه می‌گفتند برای فرهنگ و جامعه آن زمان بودند درحالی که الان هم افرادی مثل پاک‌آیین، اهورا ایمان و بهمنی از شاعران این دوران هستند که اشعارشان مورد توجه مردم قرار می‌گیرد. البته در این روزگار که هرکسی شبکه اجتماعی مخصوص خودش را دارد، درصدهای رسیده به شورای شعر و ترانه، عاشقانه‌های سطحی است که حتی اگر معانی خیلی از مصراع‌ها را از خود شاعر هم بپرسی از بیان آنها عاجز است ولی چون خیلی از کلمات در بیان محاوره و عامه به کار می‌رود بدون اینکه معنی دقیق آن توسط شاعر درک شود، در شعر استفاده می‌شود. حال که بیشتر آنها به‌نوعی ترویج‌دهنده عشق ابتدایی و دم‌دستی هستند.

اینکه در بعضی آهنگ‌ها شاهد ترانه‌های بی‌معنی و کوچه بازاری هستیم را باید در ضعف شاعر جست‌وجو کرد یا اینکه سلیقه مردم پایین آمده است؟

مگر ما در حوزه شعر فقیر هستیم که باید در بعضی آهنگ‌ها یا چنین ترانه‌های ضعیفی روبه‌رو باشیم. ما در ادبیات اسطوره‌های مثال‌زدنی‌ای چون حافظ و سعدی را داریم که تقریباً در آثارشان، اشعار عاشقانه هم به چشم می‌خورد ولی چرا به سراغ آنها نمی‌رویم. من فکر می‌کنم که سطح پایین سواد خواننده‌ها، مانع فهم و درک درست این اشعار می‌شود و باعث شده تا اصلاً به سراغ آنها نروند یا آهنگساز که باید

ترانه‌های اجتماعی و سیاسی کمتری را در بازار شاهد هستیم. دلیل آن را باید در ممیزی‌های شورا جست‌وجو کنیم یا تمایل جامعه به سمت ترانه‌های عاشقانه؟

در طول سال ترانه‌های اجتماعی که برای بررسی به شورا می‌آیند، خیلی کم است. آنهایی هم که می‌آیند به دلیل ضعف بیان و اشکالات فنی مجوز نمی‌گیرند. بدون شک اگر شعری با موضوع‌های اجتماعی مختلف سروده شود که در آن خط قرمزها رعایت شده و از لحاظ فنی خوب باشد حتماً مجوز می‌گیرد. ولی خیلی از خواننده‌ها فکر می‌کنند اگر به سراغ ترانه‌های عاشقانه بروند، بخش بی‌شماری از مخاطبان را با خود همراه می‌کنند درحالی که در ترانه‌های اجتماعی مخاطب خیلی اقبالی به آن نشان نمی‌دهد.